همراه با
نخبگان علم و اخلاق

معاونت اجتماعی
مجتمع دینی اهل سنت وجماعت بندر عباس

@ziyaeiacademy

PERFECT BINDING BROCHURE MOCKUP

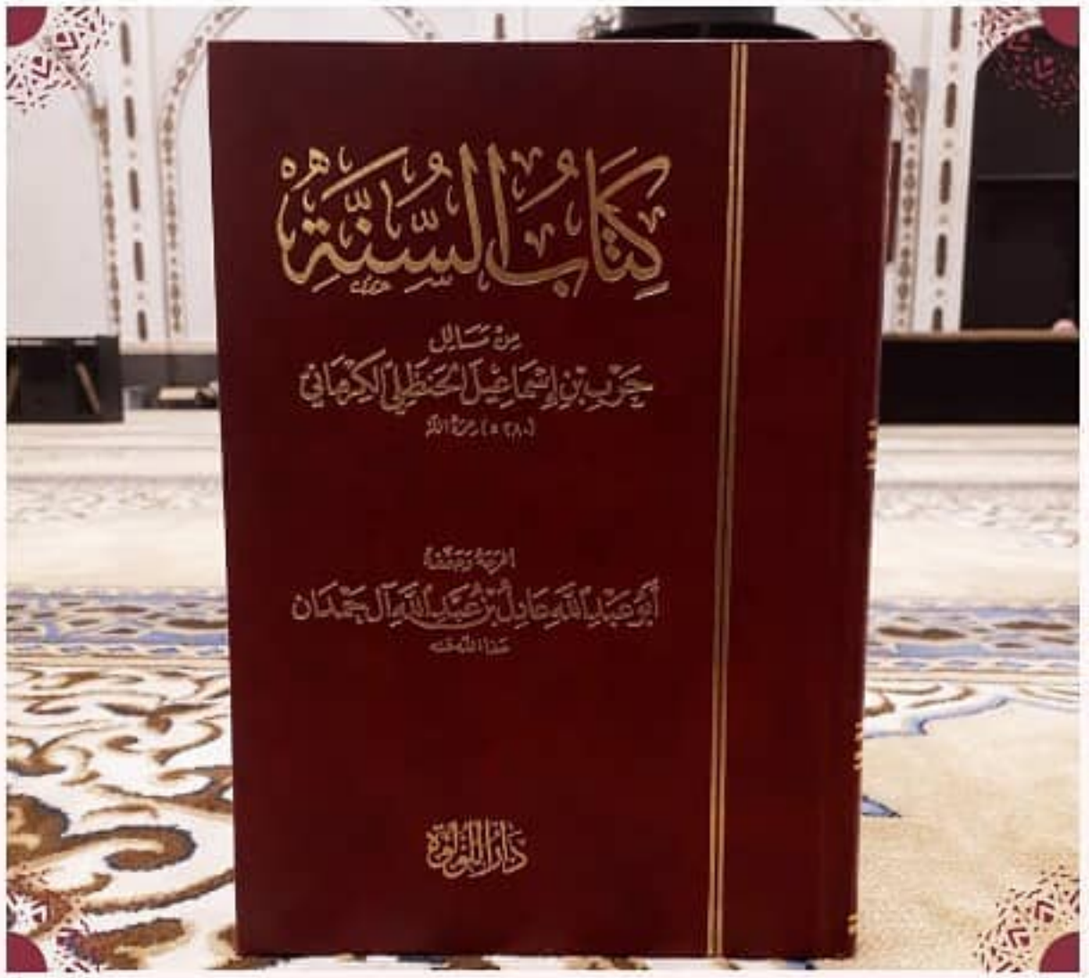

همراه با نخبگان علم و اخلاق

۱ ابو محمد حرب بن اسماعیل کرمانی

♦ امام علامه، حافظ و فقیه، ابو محمد حرب بن اسماعیل کرمانی، اهل سیرجان بودند.

♦ مذهب ایشان در فقه، حنبلی بوده و کتاب «**مسائل حرب الکرمانی**»، شامل سوالاتی می‌شود که ایشان از استاد خود امام احمد بن حنبل رحمه اللّه پرسیده و آن را مکتوب کرده‌اند.

♦ چنان که امام ذهبی رحمه الله در مورد این کتاب می گوید: «کتاب سؤالات حرب کرمانی از امام احمد، یکی از نفیس‌ترین کتاب‌های حنابله است. این کتاب، کتابی بزرگ بوده و دارای دو جلد است».

♦ از مشهورترین کتاب‌های ایشان، کتاب «السنة» است که آن را در باب اعتقاد اهل سنت و جماعت به رشته‌ی تحریر در آورده است.

♦ ابوزرعه دمشقی رحمه الله در مورد ایشان می گوید: «یکی از فاضل ترین اشخاص نزد ما آمده که اهل عراق از دیدن کسی همچون او عاجزند. او یکی از کسانی است که از من حدیث نوشته است.»

♦ علامه مرداوی حنبلی رحمه الله می گوید:
«حرب یکی از ائمه بزرگ اصحاب امام احمد است».

♦ برای طلب علم، مسافرت‌های زیادی انجام دادند و در همین سفرها، از امام احمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه و ابو الولید طیالسی و ابوبکر حُمَیدی و سعید بن منصور صاحب سنن و علما و ائمه‌ی دیگری علم فرا گرفتند.

♦ گفته شده وفات ایشان در سال ۲۸۰ هـ بوده و امام ذهبی رحمه اللّه در سیر اعلام النبلاء، عمر ایشان را قریب ۹۰ سال ذکر کرده‌اند. رحمت اللّه بر ایشان باد.

❖ ❖

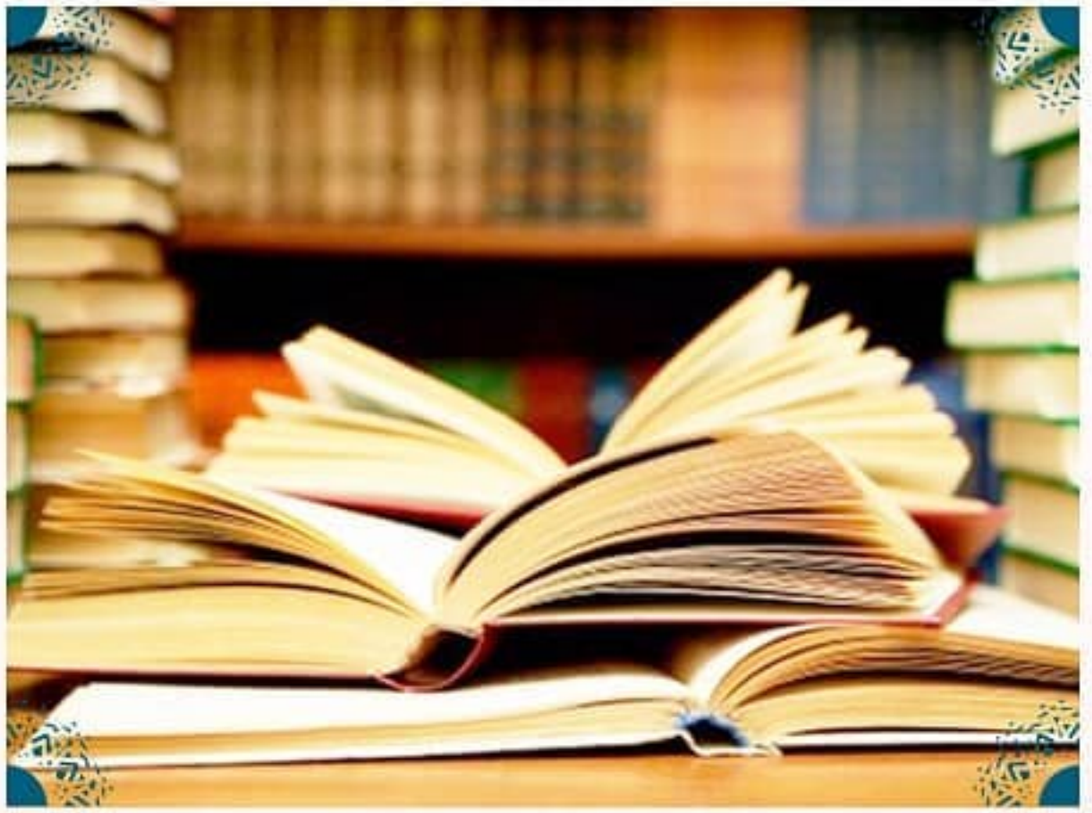

همراه با نخبگان علم و اخلاق

۲ ابو طاهر احمد بن حسن بن احمد کرجی

♦ ابو طاهر، احمد بن حسن بن احمد کرجی، در سال ٤١٦ هجری متولد شد.

♦ امام ذهبی رحمه‌الله در معرفی او می‌گوید:
«ایشان شیخ، امام، محدّث، حجّت، ابو طاهر احمد بن حسن بن احمد بن حسن بن خداداد کرجی باقِلّانی بغدادی هستند».

♦ در طلب علم رحل سفر بست. کتاب **«السُّنَن»** سعید بن منصور را از ابوعلی بن شادان استماع نمود. همچنین از ابوبکر برقانی و عبدالملك بن بِشران و گروهی از راویان، کتاب‌های مُطوّلی را استماع نمود.

♦ کسانی که از ایشان حدیث روایت کرده‌اند، عبارتند از: ابو علی صدفی، و عبد الوهاب انماطی، و ابن ناصر دمشقی و عمر دهستانی و عده‌ی دیگری که ذکرشان سبب طولانی شدن سخن می‌گردد.

♦ علامه سمعانی در مورد ایشان می‌گوید: «ابو طاهر کرجی شیخی عفیف و زاهد بود. وقت خود را در عبادت می‌گذراند. موثوق بود. دارای فهمی عالی بود».

♦ عبدالوهاب انماطی در موردش می‌گوید: «ابو طاهر کرجی از ابوالفضل بن خیرون علم بیشتری داشت. زاهد و نیکو طریقت بود. در مسجد روز جمعه حدیث نمی‌گفت، و به ما می‌گفت: من در خدمت شما هستم، به جز روز جمعه. چون روز جمعه برای تکبیر و تلاوت است».

♦ روزی نظام الملك به بغداد آمد و خواست که از شیوخی که در بغداد هستند، استماع حدیث کند. هنگام نوشتن اسامی شیوخ موجود در بغداد، اسم ابو طاهر کرجی را نیز نوشتند و سپس آن را برای نظام الملك فرستادند. وقتی از وی خواستند که به خانه‌ی نظام الملك برود تا نظام الملك از او حدیث بشنود، قبول نکرد. وقتی اصرار کردند، به آنها گفت: ابن خیرون، خویشاوند من است. (ابن خیرون پسر دایی او و همراهش در طلب علم بود). چیزی نبوده که فقط من به تنهایی آن را شنیده باشم. هر چه من شنیده‌ام، او نیز شنیده، و او نیز چنان که می دانید نزد خلیفه مشغول به کار است. پس از او بشنوید».

♦ او در روز چهارم از ماه ربیع الآخر سال ٤٨٩ هجری از دنیا رفت.

رحمه‌الله رحمة واسعة

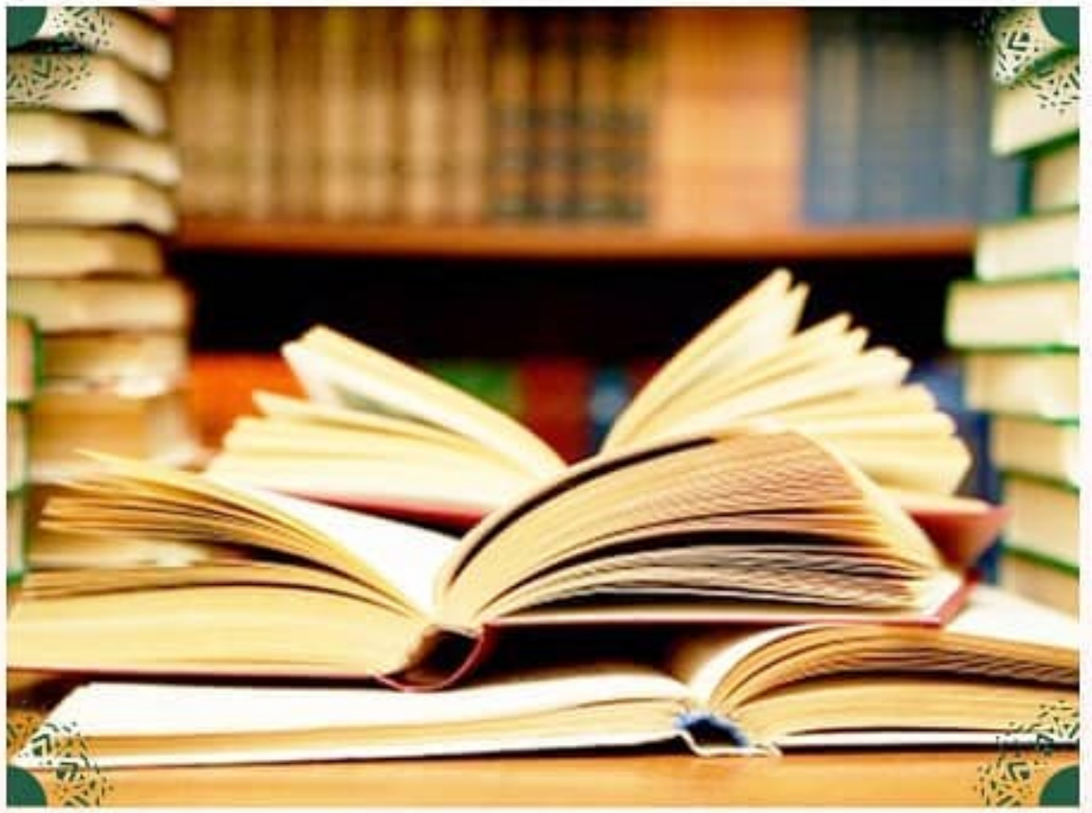

همراه با نخبگان علم و اخلاق

۳ ابو عبدالله محمد بن حماد طهرانی رازی

♦ ابو عبداللّه محمد بن حماد طهرانی رازی رحمه‌الله از عالمان دینی و محدثین سرآمد نیمه دوم قرن سوم هجری و نخستین دانشمند تهرانی بود که نام و نشانش پیش از آنکه نام طهران در کتاب‌های تاریخی بیاید، شناخته شده است.

.....

♦ وی از کسانی مثل علّامه عبدالرزاق صنعانی، عبید اللّه بن موسی، ابو عاصم نبیل، عبید اللّه بن عبد المجید حنفی، و ابو نُعَیم و بسیاری دیگر، استماع حدیث کرد.

♦ کسانی مثل ابن ماجه قزوینی، ابو اسحاق بن ابو ثابت، و عبد الرحمن بن ابو حاتم و جماعتی دیگر از او حدیث روایت کرده‌اند.

.....

♦ او در مصر و شام و عراق، حدیث روایت کرده است.

.....

♦ عبد الرحمن بن ابو حاتم رحمه‌الله می‌گوید: «محمد بن حماد طهرانی، ثقه است. من در ری و بغداد و اسکندریه، احادیثی را که از او شنیدم، نوشته‌ام».

.....

♦ امام دار قطنی رحمه‌الله در مورد ایشان می‌گوید: «ثقه است».

.....

♦ ابو احمد بن عدی رحمه‌الله می‌گوید: «از منصور فقیه شنیدم که می‌گفت: در میان مشایخ کسی را ندیدم که دوست داشته باشم - در فضل و بزرگی - مثل او باشم، جز سه نفر: اولین آنها محمد بن حمّاد طهرانی بود»

.....

♦ امام ذهبی رحمه‌الله می‌گوید: «محمد بن حماد طهرانی در ماه ربیع الأول سال ۲۷۱ هـ در عسقلان واقع در فلسطین، در سن هشتاد و چند سالگی، از دنیا رفت».

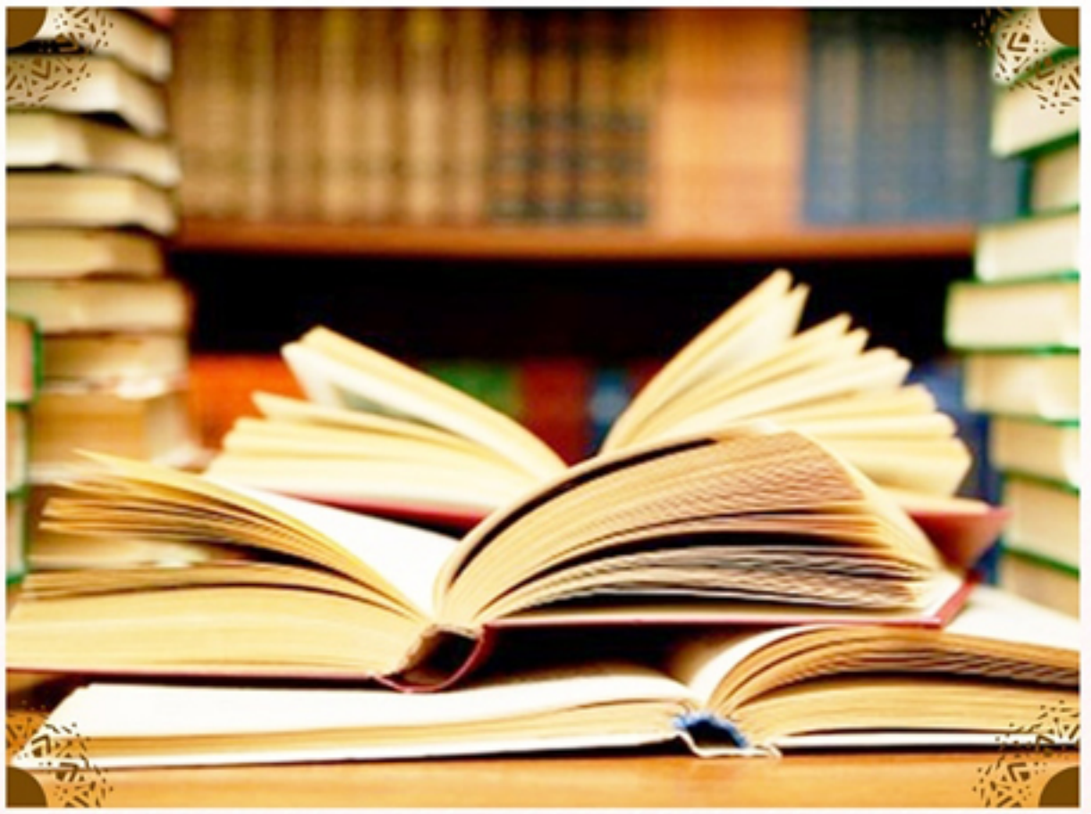

همراه با نخبگان علم و اخلاق

۴ امام ابو القاسم سعد بن علی بن محمد زنجانی

- او امام، علامه، حافظ، الگو، عابد و شیخ حرم بود.حدود سال ۳۸۳ هـ به دنیا آمد.

- در مصر از ابو عبدالله بن نظیف و حسین بن میمون صدفی و عده‌ی دیگری استماع حدیث نمود.

  در غزّه از علی بن سلامه، و در زنجان از محمد بن ابو عبید، و در دمشق از عبدالرحمن بن یاسر جَوبَری و عبدالرحمن بن طُبَیز حلبی و هم عصرانش حدیث شنید.

- ابوسعد می‌گوید: سعد، حافظی کامل بود. ثقه و دارای ورع بود. زیاد عبادت می‌کرد. دارای کرامات بود. وقتی وارد حرم - مکه - می‌شد، صحن طواف از مردم خالی می‌شد و همه به سوی او می‌رفتند و دستش را می‌بوسیدند.

- ابن طاهر می‌گوید: از هیّاج بن عبیدِ فقیه که امام و مفتی حرم الهی بود، شنیدم که می‌گفت: روزی که در آن سعد زنجانی را نبینم، به نظرم هیچ کار خیری انجام نداده‌ام.

- ابو الحسن کرجی شافعی می‌گوید: از ابن طاهر در مورد بهترین کسی که دیده است، سوال کردم. گفت: سعد زنجانی و عبدالله بن محمد انصاری.
  پرسیدم: آگاهیِ کدامشان نسبت به حدیث بیشتر بود؟
  گفت: زنجانی از او بیشتر به حدیث آگاه بود. من وقتی بر انصاری حدیث می‌خواندم، بعضی اوقات چیزی را نمی خواندم تا او را بیازمایم که متوجه می‌شود یا خیر؟ گاهی اوقات تذکر می‌داد و گاهی اوقات متوجه نمی‌شد و چیزی نمی‌گفت. اما زنجانی هر وقت اسم شخصی را از سند حدیث نمی‌خواندم، می‌گفت: فلانی را ساقط کردی و نخواندی.

- از حافظ اسماعیل بن محمد تیمی در مورد سعد زنجانی پرسیدند. گفت: امامی بزرگ و عارف به سنت است.

- زنجانی در اوایل سال ۴۷۱ هـ در حالی که ۹۰ سال داشت، از دنیا رفت.

بیت زیر قصیده‌ای است که علامه سعد زنجانی سروده است:

وَمَا أَجْمَعَتْ فِيْه الصَّحَابَةُ حُجَّةٌ
وَتِلْكَ سَبِيْلُ الْمُؤْمِنِيْنَ لِمَنْ سَبَرْ
فَفِي الأَخْذِ بِالإِجْمَاعِ فَاعْلَمْ سَعَادَةٌ
كَمَا فِي شُذُوْذِ الْقَوْلِ نَوْعٌ مِنَ الْخَطَرْ

یعنی:
و هر آنچه صحابه بر آن اجماع کرده باشند، حجت است، و این راه مومنان است برای کسی که بررسی کرده باشد.
بدان که در چنگ زدن به اجماع، سعادت وجود دارد، همان طور که در نظریات عجیب و شاذ، نوعی خطر وجود دارد.

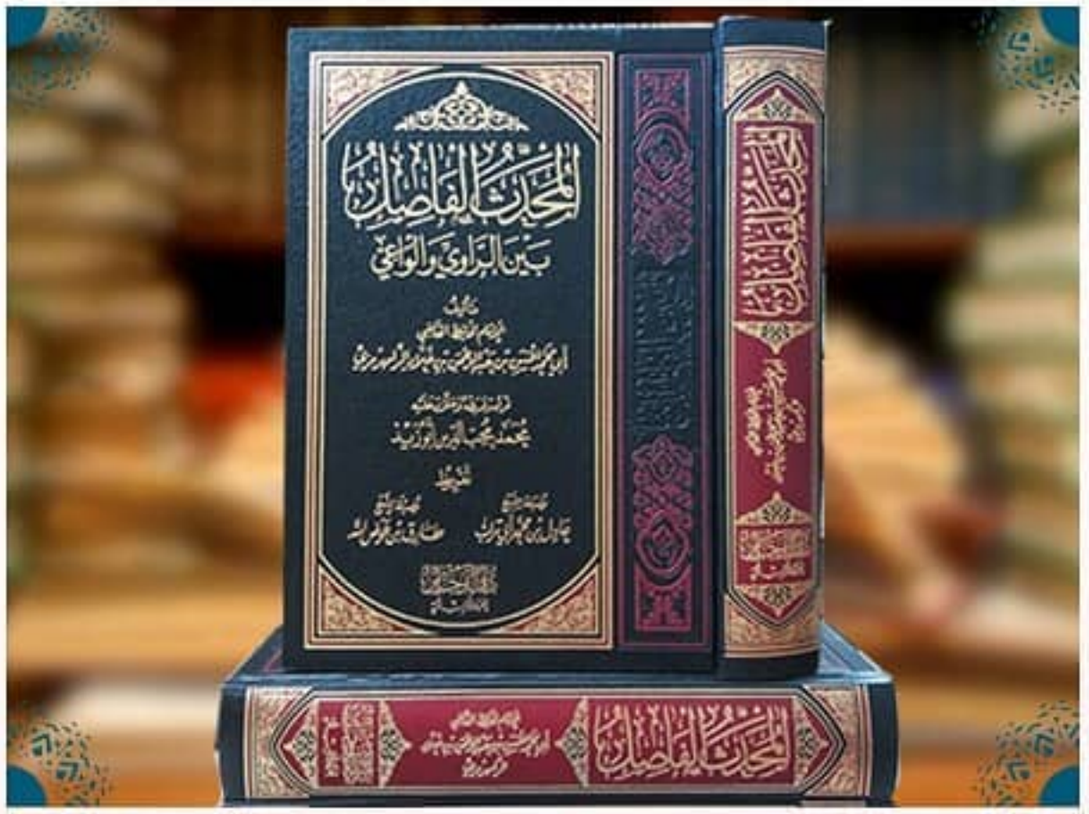

همراه با نخبگان علم و اخلاق

(۸) حسن بن عبد الرحمن بن خلّاد رامهرمزی

♦ امام ذهبی او را چنین معرفی می‌کند:

«امام، حافظ، حاذق در علمش، محدّث عجم، ابومحمد حسن بن عبدالرحمن بن خلّاد فارسی رامهرمزی، نویسنده‌ی کتاب (المُحَدِّثِ الفَاصلِ بینَ الرَّاوِی وَالوَاعِی) در علوم حدیث، و چه نیکو کتابی است!».

♦ تولد ایشان حدودا در سال ۲۶۵ هجری بوده است.

♦ سال ۲۹۰ هجری، تلاش خود در طلب علم و حدیث را شروع کرد. شروع به نوشتن و جمع آوری

♦ و تصنیف نمود و در این زمینه، بزرگِ اصحاب حدیث گشت، و کتاب «**المحدِّث الفاصل بین الرّاوی والواعی**»، به خوبی نشانگر این مساله است.

♦ سماع حدیث: او از پدرش، و محمد بن عبد اللّه مطیَّن حضرمی، و ابو حصین وادعی، و محمد بن حیّان مازنی، و ابو خلیفه فضل بن حباب جُمَحی، و ابو شعیب حرّانی، و حسن بن مثنّی العنبری، و یوسف بن یعقوب قاضی، و زکریای ساجی، و جعفر بن محمد فریابی، و موسی بن هارون، و عمر بن ابو غیلان، و عده‌ی کثیر دیگری حدیث شنیده است.

♦ او در علم خود بسیار ماهر بود. اهل حدیث، و نیز شاعر بود.

♦ کتاب « رَبِيْعِ المُتَيَّمِ فِي أَخْبَارِ العُشَّاقِ»، و کتاب «الأمثال»، و کتاب «أَدَبُ النَّاطِق» و کتاب «النَّوَادِر» و کتاب «رِسَالَةُ السَّفَر» و کتاب «الرُّقَى والتَّعَازی» از نوشته‌های اوست.

♦ ابو القاسم بن مَنده در کتابش «الوَفَيَات» ذکر کرده که وفات رامهرمزی در حدود سال های ۳۶۰ هجری در رامهرمز بوده است.

همراه با نخبگان علم و اخلاق

۶ امام ابو زرعه رازی

♦ ایشان **عبید اللّه بن عبد الکریم بن یزید بن فرّوخ**، معروف به ابو زرعه رازی، اهل شهر ری بودند.

♦تولد ایشان **سال ۲۰۰ هجری** بوده است.

♦ امام ذهبی رحمه‌الله ایشان را چنین معرفی می‌کند: **«امام، سید الحفّاظ، عبید اللّه بن عبد الکریم بن یزید بن فرّوخ: محدّث شهر ری»**

♦ ایشان یکی از ائمه‌ی مشهور در حدیث است. از سن کم شروع به مسافرت برای طلب علم کرد. به سرزمین های مختلف جهان اسلام سفر کرد و از بزرگترین عالمان و محدثان این سرزمین‌ها، سماع حدیث کرد.

♦ یکی از بزرگترین علمایی که با آنها مجالست داشت، امام احمد بن حنبل بوده است و از ایشان حدیث شنیده و سپس روایت کرده است. همچنین از خلّاد بن یحیی و مسلم بن ابراهیم و عبد اللّه بن مسلمۀ القعنبی و جمع زیادی از دیگر علما و راویان، حدیث شنیده است.

♦ بزرگانی همچون «امام مسلم و امام ترمذی و امام نسائی و امام ابن ماجه قزوینی و عبداللّه بن احمد بن حنبل و ابو بکر عبداللّه بن امام ابوداود (صاحب منظومه حائیه ابن ابی داود)»و عده‌ی کثیر دیگری از او روایت کرده‌اند که برخی از آنها جزء شیوخش بوده‌اند.

♦ **اقوال علما در مورد ایشان:**

امام نسائی در مورد ایشان گفته: ثقه است.

ابو حاتم رازی گفته: امام است.

♦ عبداللّه بن احمد بن حنبل می‌گوید: «وقتی ابو زرعه به بغداد آمد، نزد پدرم منزل گزید و بسیار با پدرم مذاکره‌ی حدیث می‌کردند. باری از پدرم شنیدم که می‌گفت: در این مدت، غیر از نماز فرض، نماز دیگری نخواندم و ترجیح دادم به جای آن با ابو زرعه، مذاکره‌ی حدیث کنم.»

♦ وی در جایی دیگر می‌گوید: «به پدرم گفتم: پدر جان، چه کسانی برترین حافظان حدیث هستند؟ گفت: پسرم، جوانانی اهل خراسان نزد ما بودند که الان متفرق شده‌اند. گفتم: چه کسانی بودند؟ گفت: محمد بن اسماعیل بخاری، و عبید اللّه بن عبد الکریم رازی (امام ابو زرعه رازی)، و عبد اللّه بن عبد الرحمن سمرقندی و حسن بن شجاع بلخی»

♦ محمد بن مسلم بن واره می‌گوید: «از اسحاق بن راهویه شنیدم که می‌گفت: حدیثی که ابو زرعه آن را نشناسد، اصلی ندارد.»

♦ امام ابو زرعه رازی در سال ۲٦٤ هجری بعد از سال‌ها طلب علم و خدمت به حدیث، در شهر ری از دنیا رفتند و در همانجا دفن شدند.

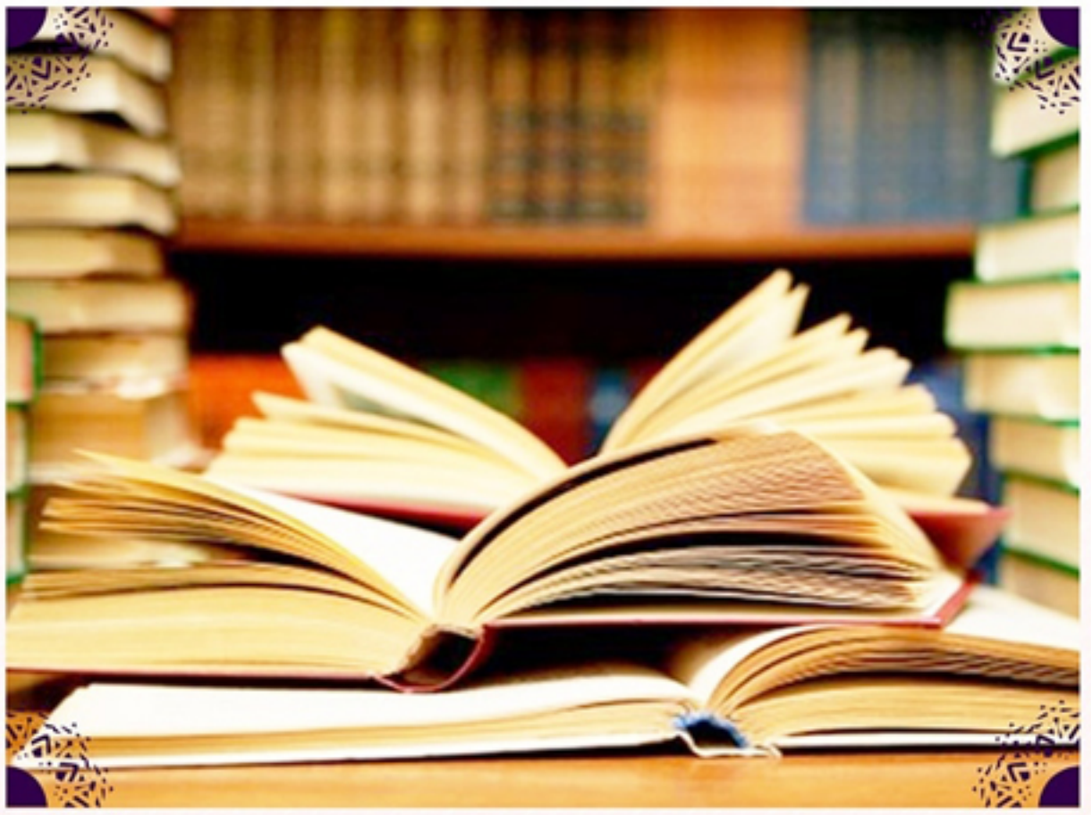

همراه با نخبگان علم و اخلاق

۷ امام ابو احمد محمد بن علی بن محمد کرجی قصّاب

♦ امام ذهبی رحمه اللّه در شرح زندگی‌نامه‌ی ایشان در کتاب وزین خود، «سِيَرُ أعلام النُبَلاء» می نویسد: «قصّاب، حافظ اَمام ابو أحَمد محمد بن علی بن محمد کرجی» است.

♦ او از بزرگانی همچون: محمد بن ابراهیم طیالسی، و عبد الرحمن بن محمد بن سلم رازی، و محمد بن عباس اخرم، و جعفر بن احمد بن فارس، و حسن بن یزید دقاق و عده‌ی کثیری دیگر، روایت کرده است.
از جمله کسانی که از امام کرجی قصاب روایت حدیث کرده‌اند، می‌توان: دو پسر ایشان به نام علی و عمار، و ابو منصور مظفر بن محمد بن حسین بروجردی و غیره را نام برد.

تالیفات ایشان:

کتاب‌های: «ثواب الأعمال»، «عقاب الأعمال»، «کتاب السنة»، و کتاب «تأدیب الأئمة» از تالیفات این امام بزرگوار است.

♦ ابو الحسن کرجی در مورد ایشان می‌گوید:

وَفِي الكَرَجِ الغَرَّاءِ أَوحَدُ عَصْرِهِ ... أَبُو أَحْمَدَ القَصّابُ غَيْرُ مَغالِبِ

و در کرج زیبا، یگانه‌ی زمانه، أبو احمد قصاب است که همتا ندارد.

تَصَانِيْفُهُ تُبْدِي فُنُوْنَ عُلُومِهِ ... فَلَسْتَ تَرَى عِلْماً لَهُ غَيْرُ شارِبِ

♦ نوشته‌های ایشان بیانگر این است که در علوم و فنون عصر خود تبحر داشته است.

شیخ علی بن غازی التویجری که کتاب ایشان یعنی « النكت الدالة على البيان في أنواع العلوم والأحكام» را تحقیق نموده، در مورد ایشان می گوید: «مذهب ایشان مذهب محدثین بوده، و به موجب دلیلی که برایش ثابت می‌گشته، عمل می‌کرده و مقلد و پیرو هیچ یك از مذاهب فقهی معروف نبوده است. علمایی همچون صفدی و شیخ الاسلام ابن تیمیه و ابن قیم و امام ذهبی و حافظ ابن حجر عسقلانی و ابن عبد الهادی و سیوطی رحمهم اللّه بر او ثنا گفته‌اند».

♦ امام کرجی قصاب رحمه اللّه در علومی مثل عقیده و فقه و حدیث و تفسیر و لغت و قراءات و ناسخ و منسوخ، سر آمد بوده‌اند.

در مورد زمان وفات ایشان تاریخ دقیقی در دسترس نیست. اما چنان که امام ذهبی می گوید، در حدود سال ۳۶۰ هجری از دنیا رفته‌اند.

رحمه اللّه رحمة واسعة

همراه با نخبگان علم و اخلاق

۸ ابو حاتم رازی

♦ اسم: محمد بن ادریس بن منذر بن داود بن مهران حنظلی، ابو حاتم رازی.

♦ متولد سال ۱۹۵ هجری در شهر ری بوده است.

♦ امام ذهبی در «سِیَر أعلام النُبَلاء» در مورد ایشان می‌گوید: «امام، حافظ، ناقد، شیخ المحدثین، یکی از دریاهای علم بود. سرزمین‌ها را در نوردید و در متن و إسناد حدیث، سرآمد شد. حدیث را جمع آوری کرده و کتاب نوشت. در جرح و تعدیل و تصحیح و علل حدیث، نادر زمانه شد.»

♦ ایشان از محدثین کوفه، بصره، بغداد، دمشق، حمص، مصر، و دیگر سرزمین‌های اسلامی، حدیث شنید.

♦ خلیلی می‌گوید: «ابو حاتم لَبّان به من گفت: نام اساتیدی که ابو حاتم از آنها روایت کرده است را جمع آوری کردم. تقریبا سه هزار نفر می‌شدند.»

♦ از هم سن و سالان امام بخاری بود، اما بیشتر از بیست سال بعد از امام بخاری زیست. اولین باری که شروع به کتابت حدیث کرد، سال ۲۰۹ هـ بود.

♦ **کسانی که از او حدیث روایت کرده‌اند:**

از اصحاب سنن، امام ابو داوود و نسائی از او روایت کرده‌اند. گفته شده که امام بخاری و ابن ماجه نیز از او روایت کرده‌اند که البته ثابت نشده.

♦ کسان دیگری که از ایشان حدیث روایت کرده‌اند عبارتند از: پسر ایشان یعنی عبد الرحمن بن ابی حاتم، یونس بن عبد الأعلی و ربیع بن سلیمان موذن که این دو، از اساتید وی نیز بوده‌اند. نیز، ابو بکر بن ابی الدنیا، و ابو عوانه اسفراینی، و علی بن ابراهیم قطّان، و ابو زرعه‌ی رازی و ابو زرعه‌ی دمشقی و عده‌ی کثیر دیگری.

♦ ثنای علما و ائمه بر ایشان:

عبد الرحمن بن ابی حاتم می‌گوید: موسی بن اسحاق به من گفت: «از پدرت حافظتر، کسی را ندیدم.»

♦ همچنین می‌گوید: از یونس بن عبد الأعلی شنیدم که گفت: «ابو زرعه و ابو حاتم، دو امام اهل خراسان هستند؛ بقای آنها برای مسلمین، صلاح است.»

♦ خلیلی می‌گوید: «ابوحاتم، عالِم به اختلاف صحابه و فقه تابعین و ائمه‌ی پس از آنها بود. از پدر بزرگم و گروهی دیگر شنیدم که از علی بن ابراهیم قطان شنیده بودند که گفته است: من کسی مثل ابو حاتم را ندیده‌ام! خلیلی می‌گوید: به پدر بزرگم گفتیم: تو بزرگانی مثل ابراهیم حربی و اسماعیل قاضی را دیده‌ای، و باز هم می‌گویی ابو حاتم؟ گفت: کسی را جامع‌تر از ابو حاتم و بهتر از او ندیده‌ام.»

♦ امام هبة اللّه لالکائی در مورد ایشان می‌گوید: «ابو حاتم، امام و حافظ و اهل ثبات بود.»

♦ عده‌ی کثیر دیگری از بزرگان و ائمه ایشان را ستوده اند که ما به همین چند نفر اکتفا کردیم.

♦ وفات ایشان در سال ۲۷۷ هـ بوده است.

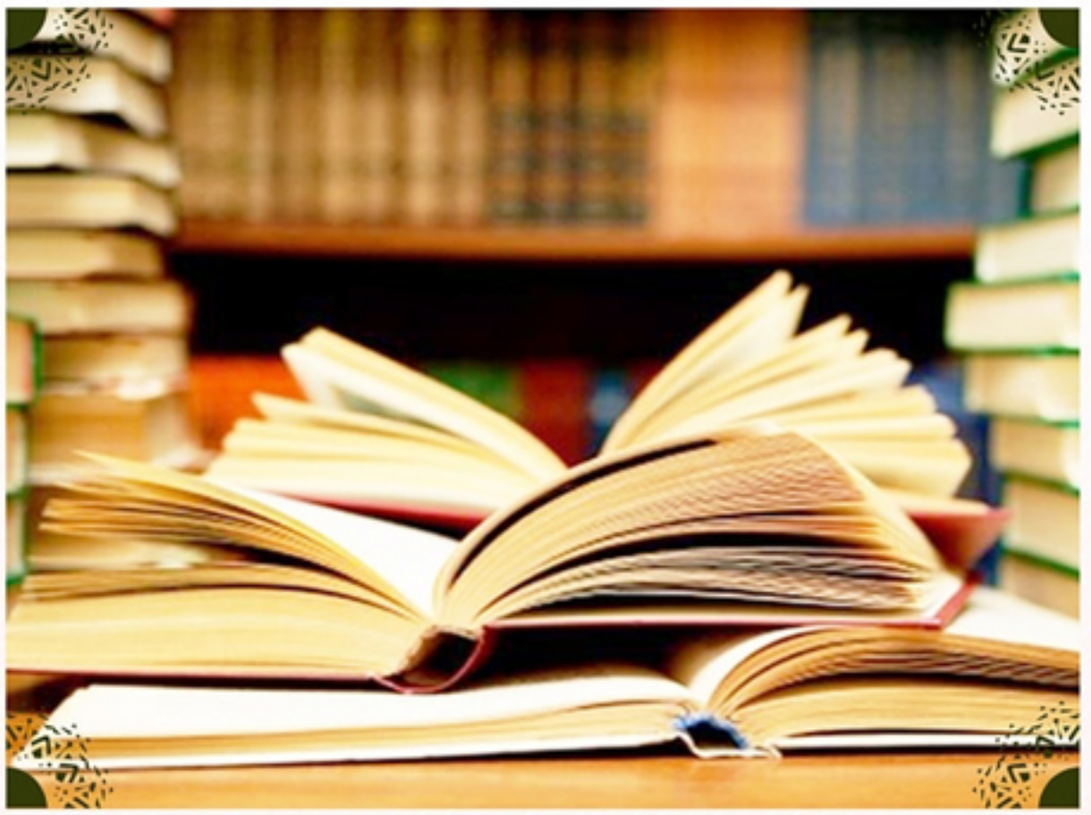

همراه با نخبگان علم و اخلاق

۹ امام عبد الرحمن بن ابو حاتم رازی رحمه الله

♦ **اسم وکنیه‌ی ایشان:** اسم ایشان عبد الرحمن بن محمد بن ادریس بن منذر بن داود بن مهران حنظلی شافعی رازی، و کنیه‌اش ابو محمد است. ایشان پسر امام ابو حاتم رازی می‌باشند.

♦ **ائمه در مورد ایشان گفته‌اند:**
امام بن امام، و حافظ بن حافظ است. امام ذهبی رحمه الله او را حافظ ری خوانده است.
تولد ایشان در سال ۲۴۰ یا ۲۴۱ هجری بوده است.

♦ ایشان در نوجوانی به همراه پدر خود امام ابو حاتم رازی در طلب علم و حدیث، بار سفر بست و در این سفرها، از علمای حجاز و عراق و مصر و شام و جزیره و غیره کسب علم کرده و حدیث شنید. علی بن ابراهیم رازی رحمه الله در شرح حال ایشان می‌گوید: از او شنیدم که گفت: «در سال ۲۵۵ هـ به همراه پدرم بار سفر بستم و آن هنگام هنوز به بلوغ نرسیده بودم. وقتی به ذو الحُلَیفه رسیدیم، به بلوغ رسیدم. پدرم از این موضوع خوشحال شد چون به عنوان یک انسان بالغ حج می‌گذاردم. من در این سال از محمد بن ابو عبدالرحمن مقرئ حدیث شنیدم».

♦ ایشان همچنین از: پدرشان امام ابو حاتم رازی، و امام ابو زرعه رازی، و أبو سعید أشَجّ، و حسن بن عرفه، و یونس بن عبد الأعلی، و علی بن منذر طریقی، و احمد بن سنان و محمد بن عبد الملک بن زنجویه، و ابراهیم مُزنی، و ربیع بن سلیمان موذن، و بحر بن نصر و عده‌ی کثیر دیگری حدیث شنیده است.

♦ کسانی مثل: ابو الشیخ بن حیان، و أبو احمد حاکم، و علی بن عبد العزیز بن مردک، و احمد بن محمد بصیر رازی، و عبداللّه بن محمد بن اسد فقیه، و ابو علی حمد بن عبد اللّه اصفهانی، و ابراهیم بن محمد بن یزداد و برادرش احمد بن محمد بن یزداد، و ابراهیم بن محمد نصر آبادی، و أبو سعید بن عبد الوهاب رازی، و علی بن محمد قصّار و عده‌ی کثیر دیگری از او حدیث روایت کرده‌اند.

♦ ثنای علما بر ایشان: ابو یعلی الخلیلی می‌گوید: ابن ابی حاتم، علم پدرش و ابو زرعه را به ارث برده بود. او دریایی از علم و شناخت رجال بود. در علم فقه و اختلاف صحابه و تابعین و علمای بلاد، کتاب تصنیف نمود. انسانی زاهد بود که از جمله‌ی ابدال شمرده می شود.
امام ابو الولید باجی می‌گوید: عبد الرحمن بن ابی حاتم، ثقه و حافظ است.

♦ **تالیفات ایشان:** امام ذهبی رحمه اللّه می‌گوید: ایشان کتابی بسیار نفیس در علم (جرح و تعدیل) در چهار جلد دارند، و نیز کتاب (الرّدّ علی الجهمیّة)، و کتابی بزرگ در (تفسیر) در چند جلد دارد.
حافظ یحیی بن منده می‌گوید: ابن ابی حاتم کتاب (المسند) را در هزار جلد تصنیف کرد. نیز کتاب (الزهد)، و کتاب (الکُنَی)، و کتاب (الفوائد الکبیر)، و کتاب (فوائد أهل الرّی)، و کتاب (تقدمة الجرح والتعدیل) از تالیفات اوست.
همچنین ایشان کتابی در علل حدیث دارند به نام (العلل) که در مجلدی بزرگ تالیف شده است.

♦ از اقوال ایشان است که: علم، با تن پروری به دست نمی‌آید.
ایشان در سن هشتاد و چند سالگی در محرم سال ۳۲۷ هـ در شهر ری از دنیا رفتند.

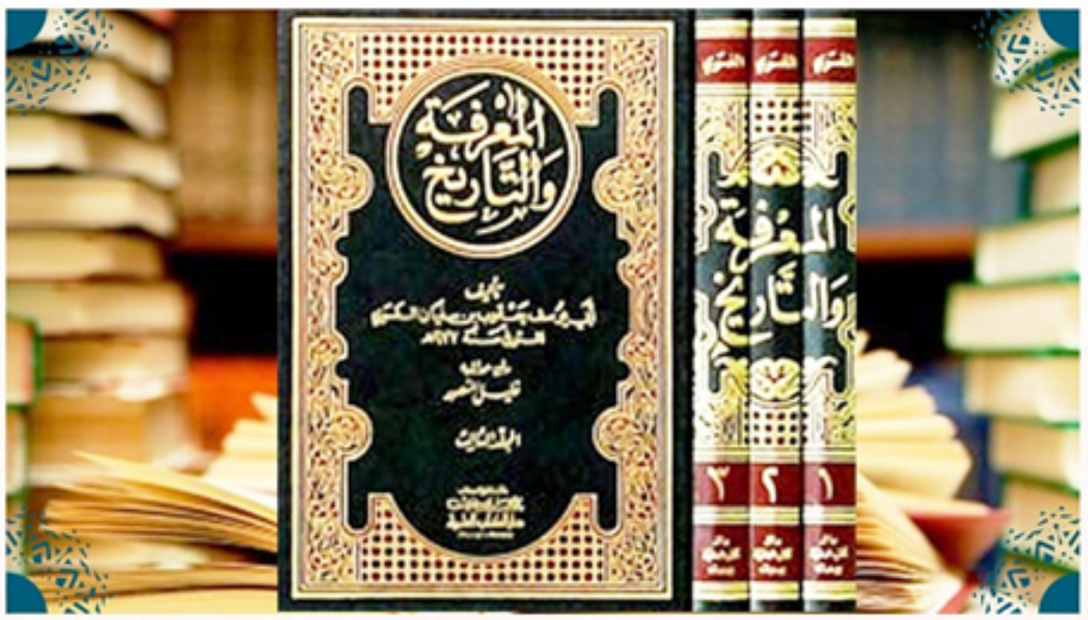

همراه با نخبگان علم و اخلاق

۱۰ ابو یوسف، یعقوب بن سفیان بن جُوان فارسی فسوی

♦ امام ذهبی در مورد ایشان می‌گوید: «امام، حافظ، حجت، رحّال، محدث اقلیم فارس، ابو یوسف یعقوب بن سفیان بن جُوان فارسی، اهل شهر فسا است».

♦ ایشان در حدود سال‌های ۱۹۰ هـ در شهر فسای استان فارس به دنیا آمدند.

سفر برای طلب علم: فسوی خود می‌گوید: «سال ۲۱۹ هـ برای طلب حدیث بار سفر بستم. از آدم بن ابو إیاس و ابوالیمان و وُحاظی ومشایخ فلسطین و دمشق، حدیث شنیدم.»

♦ ایشان به سرزمین‌ها و شهرهای مختلف سفر کرد و با بزرگان آنجا ملاقات کرده، از آنها حدیث شنید. از ابو عاصم نبیل، و عبید اللّه بن موسی، و محمد بن عبد اللّه انصاری، و مکّی بن ابراهیم و ابو عبد الرحمن مقرئ، و ابونعیم و عبداللّه بن رجاء، و ابو مسهر غسّانی، و عون بن عُماره، و حبّان بن هلال، و سعید بن ابو مریم، و ابو الجماهر محمد بن عثمان، و حجاج بن منهال، و سعید بن منصور، و عده‌ی کثیر دیگری حدیث شنید.

♦ کسانی مثل امام ابو عیسی ترمذی صاحب کتاب سنن ترمذی، و امام ابو عبدالرحمن نسائی صاحب کتاب سنن نسائی، حسن بن سفیان فسوی، و امام ابو بکر بن امام ابو داود، و امام ابو بکر بن خزیمه، و محمد بن حمزه بن عُماره اصفهانی، و امام ابو عوانه إسفراییني، و عبد اللّه بن جعفر بن درستَوَیه نحوی، از ایشان حدیث روایت کرده‌اند.

تألیفات: ایشان کتابی بزرگ در (تاریخ) دارند. همچنین کتابی که در آن مشایخ خود را که از آنها حدیث شنیده، ثبت کرده است. همچنین گفته شده که کتابی بنام «السنّه» دارند که الان در دسترس نیست و امام لالکائی در کتاب خود «شرح أصول اعتقاد أهل السنه والجماعه» جاهایی از این کتاب نقل قول کرده‌اند.

ثنای اهل علم بر ایشان: حاکم نیشابوری رحمه اللّه در مورد ایشان می‌گوید: «او امام اهل حدیث در فارس است.»

♦ محمد بن اسماعیل فارسی می‌گوید: از ابوزرعه دمشقی شنیدم که گفت: «دو تن از تیزهوش‌ترین و فاضل‌ترین مردمان فارس نزد ما آمدند. یکی از آنها که فاضل‌تر است، یعقوب بن سفیان بود و دومی هم حرب بن اسماعیل کرمانی است که از من حدیث نوشته است»

♦ ابن حِبّان رحمه اللّه او را در جمله‌ی راویان ثقه آورده، و گفته: « او از کسانی است که جمع آوری و تصنیف نموده و بسیار نوشته، و شخصی اهل ورع و عبادت، و بسیار پایبند به سنت بوده است.»

♦ ایشان در سال ۲۷۷ هـ در شهر فسا از دنیا رفتند.

همراه با نخبگان علم و اخلاق

۱۱ حافظ، امام، ابو بکر احمد بن علی بن محمد بن ابراهیم ابن منجُوَیهِ یزدی

♦ایشان ساکن نیشابور و از بزرگترین حفّاظ زمان خود بود.

♦به بخارا، سمرقند، هرات، گرگان، اصفهان و ری سفر کرد و از علمای آنجا حدیث شنید.

♦ گویند که در ایام جوانی‌اش برای تجارت وارد نیشابور شد و به دنبال طلب حدیث نبود. آن هنگام عمرو بن نُجید و ابو الحسن سراج زنده بودند. در مجالس آنها شرکت کرده و احادیثی را که روایت می کردند، برای مردم شهرش نوشت و چیزی برای خود ننوشت. وقتی به اصفهان برگشت، برای طلب حدیث، جدی شد. در آنجا از ابن مقرئ و هم طرازانش حدیث نوشت. سپس به نیشابور بازگشت و در آنجا از ابو عمرو بن حمدان حدیث شنید و ملازم مسجد امام حاکم نیشابوری شده و از او استفاده برد و احادیث بسیاری از او شنید.

♦ امام ذهبی رحمه‌الله از او به عنوان «محدّث نیشابور» نام می‌برد.

♦ از امام ابو بکر اسماعیلی و ابراهیم بن عبد الله نیشابوری و اسماعیل بن نُجَید، و ابو بکر بن مقرئ و ابو مسلم عبد الرحمن بن شهدل، و ابو عبدالله بن منده و عده‌ی کثیر دیگری حدیث روایت کرده است.

♦ بزرگانی چون ابو اسماعیل عبد الله بن محمد انصاری معروف به پیر هرات، و عبد الرحمن بن منده، و حسن بن تغلب شیرازی، و سعید بقّال، و علی بن احمد اخرم، و ابو صالح مؤذن، و ابو بکر خطیب، و ابو بکر بیهقی و عده‌ی کثیری دیگر از او حدیث روایت کرده‌اند.

♦ ابو اسماعیل انصاری در مورد او می‌گوید: «ابو بکر احمد بن علی اصفهانی، حافظ‌ترین بشری است که دیده‌ام.»
همچنین می‌گوید: «در سفر و حضر خود، حافظ و نصف حافظ دیدم؛ حافظ، احمد بن علی بن منجویه، و نصفه حافظ، جارودی بود.»

♦ صفدی می‌گوید: «امامی بزرگ و حافظ و مشهور و ثقه و صدوق بود.»

♦ یحیی بن منده می‌گوید: «عمویم عبد الرحمن بن منده، کتاب (السّنن) را که بر منهج (سنن أبو داود) نوشته، از احادیثی نوشته که از ابن منجویه شنیده است. عمویم بسیار او را ثنا می‌گفت.»

♦ نیز می‌گوید: «مسندهای سه گانه‌ی حسن بن سفیان را از او شنیدم.»

♦ ابن منجویه همچنین مستخرجی بر (صحیحین)، و نیز مستخرجی بر (جامع ترمذی) و (سنن أبو داود) نوشته است.
همچنین کتاب (رجال صحیح الإمام مسلم) از اوست.

♦در اواخر عمرش به نیشابور بازگشت و در آنجا سکنی گزید و به تصنیف و تخریج حدیث مشغول گشت و به یکی از ائمه ی مشهور در این فن تبدیل شد. بعد از وفات ابو حازم عبدوی در مدرسه ابو سعد زاهد در گذرگاه خرگوش، مجالس املای حدیث بر پا می‌کرد و چندین سال را بدین مهم مشغول بود. عده‌ی زیاد نزد او حدیث خواندند و شاگردان زیادی از نزد او فارغ شدند و برکت علم و فن و حفظ و ناصح بودنش و دیانتش ظاهر شد.

♦او در روز پنج شنبه، پنجم محرم ماه ۴۲۸ هـ در سن ۸۱ سالگی از دنیا رفت.

همراه با نخبگان علم و اخلاق

۱۲ ابو اسحاق، ابراهیم بن علی بن یوسف فیروز آبادی شیرازی

♦ **امام ذهبی** در شرح حال او می‌گوید:

شیخ، امام، قدوه، مجتهد، شیخ الإسلام ابو اسحاق ابراهیم بن علی بن یوسف فیروز آبادی شیرازیِ شافعی.

♦ سال ۳۹۳ هـ در فیروز آباد شیراز متولد شد.

♦ در شیراز پیش ابو عبد اللّه بیضاوی، و عبد الوهاب بن رامین علم آموخت. در سال ٤١٥ هـ وارد بغداد شده و در آنجا ملازم علامه ابو طیب طبری شد و چنان در علم سر آمد شد که دستیار طبری گشت. در فصاحت و قوت مناظره‌اش زبانزد بود.

♦ ایشان از ابو علی بن شاذان و ابو الفرج محمد بن عبید اللّه خرگوشی و ابو بکر برقانی و عده‌ی دیگری حدیث شنیده است.

بزرگانی چون ابو بکر خطیب و ابو الولید باجی و ابو عبد اللّه حُمَیدی و غیره از او حدیث روایت کرده‌اند.

♦ امام ابن کثیر رحمه اللّه در مورد ایشان می‌گوید: ایشان انسانی زاهد، عابد، با تقوا، و محترم و با قدر و شخصیت بود. در فقه و اصول و حدیث و فنون زیادی امام بود و تصنیفات زیاد و سودمندی دارد.

علامه سمعانی رحمه اللّه در مورد ایشان می گوید: او امام شافعیه، و مدرس مدرسه‌ی نظامیه(مدارسی که توسط نظام الملك تاسیس شدند)، و شیخ زمانه بود.

♦ مردم از همه طرف برای ملاقات او و یاد گیری علم به بغداد سفر می‌کردند.

در طول حیاتش، با اینکه دنیا به او رو کرده بود، اما از دنیا چشم پوشی کرده و به تعلیم و تعلم مشغول شد.

♦ در اصول و فروع و خلاف و مذهب کتاب نوشت. متواضع و کریم و جوانمرد و گشاده رو بوده، و دائما تبسم بر لب داشت.

♦ موفق حنفی می‌گوید: ابو اسحاق، در میان فقها، امیر المومنین بود.

قاضی ابن هانیء می‌گوید: دو تن از ائمه موفق به حج نشدند؛ ابو اسحاق شیرازی، و قاضی القضات ابو عبد اللّه دامغانی. ابو اسحاق شیرازی به خاطر اینکه فقیر بود، نتوانست حج بگذارد، و اگر می خواست، مردم او را بر سر خود گذاشته و به حج می‌بردندش، و دیگری (یعنی دامغانی) اگر می‌خواست، بر سندس و استبرق او را می‌بردند.

گویند: عامه‌ی مدرسین عراق عرب و عراق عجم از شاگردان و پیروان او بودند. از او نقل شده که گفته وقتی به خراسان رفتم، به هر شهر و روستایی وارد شدم، قاضی و خطیب و مفتی‌اش را از شاگردان خود یافتم.

از او نقل شده که گفت: جاهل به عالم اقتدا می‌کند. وقتی عالم به علمش عمل نمی‌کند، جاهل چه انتظاری از خود دارد؟ پس ای فرزندانم، اللّه را مد نظر قرار دهید! پناه می‌بریم به اللّه از علمی که حجتی بر علیه ما شود.

ابو طاهر سِلَفی می‌گوید: از شجاع ذُهلی در مورد ابو اسحاق شیرازی پرسیدم. گفت: امام اصحاب شافعی و پرچمدار آنان در عصر خود در بغداد بود.

♦ شیرویه‌ی دیلیمی در کتاب خود (تاریخ همذان) می‌گوید: ابو اسحاق شیرازی امام عصر خود بود. به عنوان فرستاده به سوی سلطان ملکشاه به شهر ما آمد. از او حدیث شنیدم. او ثقه و نسبت به دنیا، زاهد، و یکتای زمانه بود.

او در شب ۲۱ جمادی الآخر سال ٤٧٦ هـ در بغداد از دنیا رفت. جنازه‌اش را به خانه‌ی امیر المومنین مقتدی باللّه برده و او بر جنازه‌اش نماز گزارد، و سپس در نظامیه به امامت ابو طیب طبری رحمه اللّه بر او نماز خواندند و در مقبره‌ی باب أبرز دفن شد.

او در حالی از دنیا رفت که درهمی از خود به جای نگذارد و درهمی نیز بدهکار کسی نبود.

♦ تالیفات او (**المهذّب**) و (**التّنبیه**) و (**اللّمع فی أصول الفقه**)، و (**شرح اللّمَع**) و (**المعونه فی الجدل**) و (**الملخّص فی أصول الفقه**) و غیره هستند. تالیفاتش به خاطر حسن نیتی که در علم داشت، شهرت یافتند.

رحمه اللّه رحمه تو واسعه

معاونت اجتماعی مجتمع دینی اهل سنت وجماعت بندرعباس

@ziyaeiacademy

همراه با نخبگان علم و اخلاق

۱۳ شیرویه بن شهردار بن شیرویه همدانی

♦ امام ذهبی می‌گوید: «ایشان شیرویه بن شهردار بن شیرویه محدّث، عالم، حافظ، مورخ؛ أبو شجاع دیلمی همدانی هستند».

.....

♦ نسب ایشان به صحابی بزرگوار، «ضحّاك بن فیروز دیلمی همدانی» می‌رسد، و از علمای شافعی مذهب بودند.

.....

♦ سال ٤٤٥ هـ متولد شدند. برای طلب حدیث رخت سفر بستند.

.....

♦ از محمد بن عثمان قومسانی، و یوسف بن محمد بن یوسف مستملی، و سفیان بن حسن بن منجویه، و عبد الحمید بن حسن فقاعی، و أبو الفرج علی بن محمد جریری بجلی، و احمد بن عیسی دینوری، و عبد الباقی بن علی عطّار، و ابو القاسم بن بُسری، و عده‌ی دیگری حدیث شنید.

♦ کسانی مثل: «پسرش شهردار بن شیرویه، و محمد بن فضل عطار اسفراینی، و ابو العلاء عطّار مقری، و ابو العلاء احمد بن محمد بن الفضل، و ابو طاهر سِلَفی و ابو موسی مدینی و ..» از او روایت کرده‌اند.

.....

♦ یحیی بن منده در مورد ایشان می‌گوید: «جوانی باهوش و خوب، و دل پاك بود که کم حرف می‌زد و بسیار آگاه و پایبند به سنت بود».

.....

♦ ایشان در ۱۹ رجب سال ٥٠٩ هـ در حالی که ٦٤ ساله بودند، دار فانی را وداع گفتند.

.....

♦ کتاب (فردوس الأخبار بمأثور الکتاب) از نوشته‌های ایشان است. ایشان سبب نوشتن این کتاب که بیشتر از ده هزار حدیث را در آن گرد آورده، بی توجهی مردم آن زمان به احادیث و سنت، و توجه به قصه‌گویی و داستان‌سرایی ذکر کرده است. فرزند ایشان، حافظ شهردار بن شیرویه، کتاب (فردوس الأخبار) را مختصر کرده و آن را (مسند الفردوس) نامیده، و حافظ ابن حجر عسقلانی آمده (مسند الفردوس) را دوباره مختصر کرده و کتاب را (تسدید القوس فی اختصار مسند الفردوس) نام گذارده است.

.....

♦ از دیگر نوشته‌های ایشان، کتاب (تاریخ همذان) در مورد تاریخ همدان، و کتاب (ریاض الأنس لعقلاء الإنس) در سیرت پیامبر ﷺ و تاریخ خلفای مسلمین است.

.....

رحمه الله رحمة واسعة

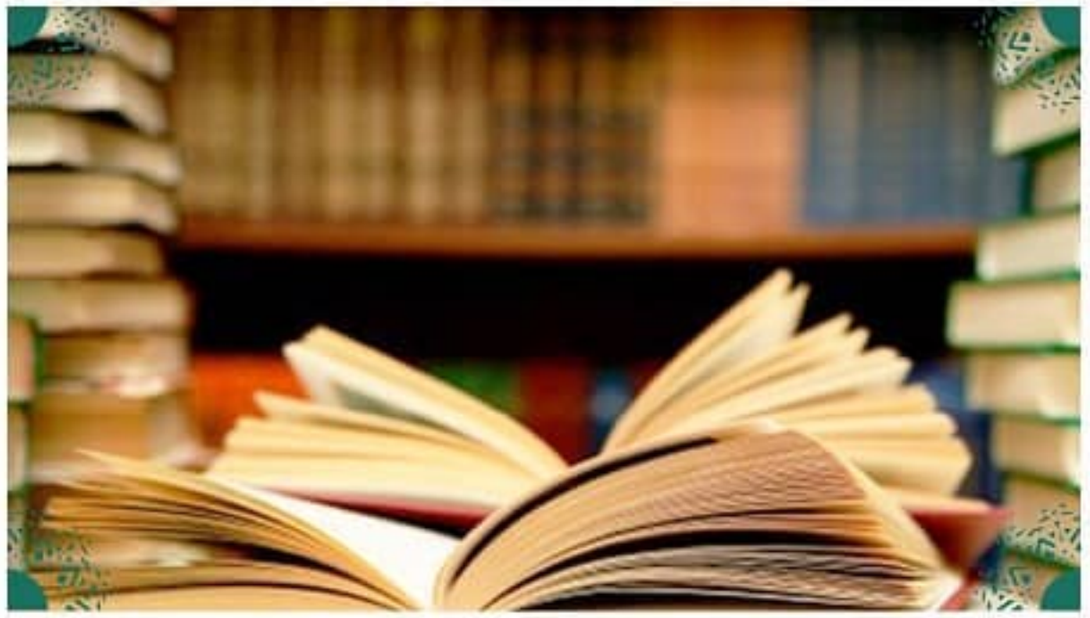

همراه با نخبگان علم و اخلاق

۱۴ حسین بن عیسی بن حمران بسطامی دامغانی

♦ کنیه‌اش ابو علی بود، در دامغان به دنیا آمده، بعدها در نیشابور سکونت گزید و در آنجا از دنیا رفت.

♦ در طبقه‌ی دهم راویان حدیث قرار می‌گیرد و از جمله‌ی بزرگانی است که از اتباع تابعین حدیث شنیده‌اند.

♦ از احمد بن ابی طیبه و جرجانی و ازهر بن سعد سمّان و اسحاق بن عیسی بن طباع و أصرم بن حوشب قاضیِ همدان، و ابو ضمرهٔ أنس بن عیاض لیثی و جعفر بن عون و حجاج بن نصیر و حماد بن اسامه و سفیان بن عیینه و ابو قتیبه سَلَم بن قُتیبه و طلق بن غنام نخعی و عبد اللّه بن حمران بصری و ابو عبد الرحمن عبد اللّه بن یزید مقرئ و عبد الصمد بن عبد الوارث و عبید اللّه بن موسی و عفان بن سیار جرجانی و عفان بن سیار جرجانی و عفان بن مسلم و همچنین پدرش عیسی بن حمران طائی و قبیصهٔ بن عقبه و محمد بن اسماعیل بن ابو فدیک و وکیع بن جراح و یزید بن هارون و عده‌ی کثیر دیگری حدیث روایت کرده است.

کسانی که از او حدیث روایت کرده‌اند:

♦ امام بخاری و امام مسلم و امام ابو داود و امام نسائی و احمد بن صالح بن محمد تمیمی جرجانی و ابو سعید اسماعیل بن بختویه بن ادریس بن خالد جرجانی بکر آبادی و علی بن احمد بن علی جرجانی و عمر بن حمد بن بجیر و ابو حاتم محمد بن ادریس رازی، و ابو بکر بن خزیمه، و محمد بن اسماعیل رازی و محمد بن عبدُك استرآبادی و محمد بن یوسف بن عمر قومسی بسطامی و یحیی بن محمد بن یحیی ذهلی و عده‌ی کثیر دیگر هستند.

♦ امام ابو حاتم رازی در مورد او گفته: «صدوق است».

♦ حاکم نیشابوری می‌گوید: «حسین بن عیسی از بزرگان محدّثین و از موثوق‌ترین آنهاست.»

♦ امام بخاری و امام ابن حبان رحمهما اللّه وفات او را سال ۲۴۷ هـ ذکر کرده‌اند.

❖ ❖

رحمه الله رحمة واسعة

همراه با نخبگان علم و اخلاق

۱۵ ابو عوانه یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم بن یزید نیشابوری اسفراییني

♦ وی بعد از سال ۲۳۰ هـ به دنیا آمده و از ائمه‌ی اهل سنت در اسفراین بوده است.

♦ امام ذهبی رحمه اللّه در مورد ایشان می‌گوید: «امام، حافظ بزرگ، کثیر السفر - در طلب علم -، نیشابوری الأصل، و ساکن اسفراین، صاحب کتاب (المسند الصحیح) که آن را بر اساس (صحیح مسلم) تخریج نموده و احادیث کمی را در آخر هر بابی اضافه کرده است».

♦ به مکه و مدینه و شام و مصر و یمن و عراق و جزیره و خراسان و فارس و اصفهان سفر کرده و از علمای اهل حدیث در آنجا حدیث شنیده است. برای طلب حدیث بسیار سفر کرد و در حدیث به مهارت رسیده، از اقران خود پیشی گرفت.

♦ از کسانی مثل: امام مسلم بن حجاج نیشابوری، و یونس بن عبد الاعلی، و علی بن حرب طائی، و محمد بن یحیی ذهلی، و احمد بن عبد الرحمن بن وهب، و زکریا بن یحیی بن اسد مروَزی، و سعد بن مسعود مروَزی، و عمر بن شبّه، و علی بن إشکاب، و عبد السلام بن ابو فروهٔ نصیبی - همنشین سفیان بن عیینه -، و ابو زرعه رازی، و محمد بن عقیل نیشابوری، و محمد بن اسماعیل احمسی، و موسی بن نصر رازی، و عده‌ی کثیر دیگری حدیث شنیده است.

♦ کسانی مثل: پسرش ابو مصعب محمد بن ابو عوانه، و حافظ احمد بن علی رازی، و حافظ ابو علی نیشابوری، و یحیی بن منصور، و سلیمان بن احمد طبرانی، و ابو احمد بن عدیّ، و ابوبکر اسماعیلی، و حسینك بن علی تمیمی و پسر پسرِ خواهرش ابو نُعَیم عبد الملك بن حسن و عده‌ی کثیر دیگری از او حدیث روایت کرده‌اند.

♦ گفته شده که ابو عوانه اولین کسی بود که مذهب و کتاب‌های مذهب امام شافعی رحمه اللّه را وارد اسفراین کرد. او مذهب شافعی را از شاگردان ایشان، مُزَنی و ربیع مرادی اخذ نموده بود.

♦ حاکم نیشابوری در مورد او گفته: ابو عوانه یکی از علمای حدیث و از ماهران در این علم بود. از پسرش محمد شنیدم که می‌گفت: او در سال ۳۱٦ هـ وفات کرده است.

♦ خواهر زاده‌ی ابو عوانه، محدّث حسن بن محمد اسفراییني نیز وفات ابو عوانه را پایان ماه ذو الحجه‌ی سال ۳۱٦ هـ گفته است.